

Police Management Practices In Earthquake Crisis¹

Nasser Bayat,² Alireza Adeli,³ Ali Osanlou⁴

Received: 2020/09/13 Accepted: 2021/01/30

Abstract

Background and Aim: Due to the obvious consequences of natural crises such as earthquakes in disrupting public order and security, law enforcement is always known as one of the main pillars of managing such crises. The main purpose of this study is to identify the methods of disciplinary management in earthquake crisis in the framework of pre-crisis, post-crisis and post-crisis stages.

Method: This research is of classical Delphi type in terms of practical purpose and in terms of nature and is among the exploratory and survey researches. Using targeted sampling and snowballs, the participation of 25 law enforcement commanders who had a history of responsibility in managing the country's earthquake crises in recent decades in the Delphi group was used. The final data obtained from the Delphi questionnaire were analyzed using descriptive statistical tests and Kendall's inferential inference test.

Results: The findings of the qualitative stage revealed 111 propositions in the field of earthquake management, which were divided into 15 different dimensions based on their content, including 5 pre-crisis stages, 6 intra-crisis stages and 4 post-crisis dimensions. During the two stages of the Delphi survey, an acceptable consensus of more than 70% was achieved in all dimensions.

Conclusion: Based on the results of the research, the pre-crisis police management model in 5 dimensions, including command measures, staff training and empowerment, logistical and defense measures, bedrock of internal and external interaction; During the crisis in 6 dimensions, including crisis command, preparedness and dispatch of police forces and equipment, urban and suburban traffic management, crime control and disorder, earthquake-affected staff, protection-security measures and post-crisis in 4 dimensions, Includes the normalization of regulatory conditions in the earthquake-stricken area, control and monitoring measures, repair and reconstruction, and strategic analysis.

Keywords: police management, crisis management, natural disasters, earthquake crisis

1. This article is taken from a research project entitled "Police Management in Earthquake Crisis" which was conducted in 2019 at Amin Police University.

2. Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Command and Staff, Amin Police University. Tehran. Iran. (Corresponding Author). Email: n_bayat@ut.ac.ir

3. Lecturer, Department of Law Enforcement Command and Management, Faculty of Command and Staff, Amin University of Police. Tehran. Iran. Email: rezaadeli25@gmail.com

4. Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Command and Staff, Amin University of Law Enforcement Sciences. Tehran. Iran. Email: ali.osanlu@yahoo.com

شیوه‌های مدیریت انتظامی در بحران ناشی از زلزله^۱ناصر بیات^۲، علیرضا عادل^۳ و علی اصانلو^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به پیامدهای بارز بحران‌های طبیعی همچون زلزله در ایجاد اختلال در نظم و امنیت عمومی، نیروی انتظامی همواره یکی از ارکان اصلی مدیریت چنین بحران‌هایی شناخته می‌شود. هدف اساسی این پژوهش، شناسایی شیوه‌های مدیریت انتظامی در بحران ناشی از زلزله در چارچوب مراحل قبل، حین و بعد از بحران است. روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت از نوع دلفی کلاسیک و در زمره پژوهش‌های اکتشافی و پیمایشی است. با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی، از مشارکت ۲۵ نفر از فرماندهان انتظامی که سابقه مسئولیت در مدیریت بحران‌های زلزله کشور را در دهه‌های اخیر داشتند، در گروه دلفی بهره‌گیری شد. داده‌های نهایی حاصل از پرسشنامه دلفی با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری توصیفی و آزمون استنباطی ضریب توافق کندال تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌های مرحله کیفی، ۱۱۱ گزاره در زمینه مدیریت انتظامی زلزله را آشکار ساخت که براساس ماهیت محتوایی آن‌ها به ۱۵ بعد مختلف شامل ۵ بعد مرحله پیش از بحران، ۶ بعد مرحله حین بحران و ۴ بعد مرحله پس از بحران، تقسیم شدند. طی دو مرحله اجرای پیمایش دلفی، اجماع قابل قبول بالاتر از ۷۰ درصد در همه ابعاد به دست آمد.

نتایج: براساس نتایج پژوهش، الگوی مدیریت انتظامی پیش از بحران در ۵ بعد، شامل تدابیر فرماندهی، آموزش و توانمندسازی کارکنان، اقدامات لجستیکی و پدافندی، بسترسازی تعامل درون و برون‌سازمانی، حین بحران در ۶ بعد، شامل فرماندهی بحران، آماده‌باش و اعزام نیرو و تجهیزات پلیسی، مدیریت ترافیک درون شهری و برون شهری، کنترل و مقابله با جرم و بی‌نظمی، رسیدگی به کارکنان آسیب‌دیده از زلزله، اقدامات حفاظتی - تامینی و پس از بحران در ۴ بعد، شامل عادی‌سازی شرایط انتظامی منطقه زلزله‌زده، اقدامات کنترلی و نظارتی، ترمیم و بازسازی و تجزیه و تحلیل راهبردی، جای می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت انتظامی، مدیریت بحران، بلاای طبیعی، بحران زلزله.

□ استناد: بیات، ناصر؛ عادل، علیرضا؛ اصانلو، علی. (۱۴۰۰). شیوه‌های مدیریت انتظامی در بحران ناشی از زلزله. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت

انتظامی، ۱۶(۱)، صص. ۲۹-۵۰.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «مدیریت انتظامی در بحران ناشی از زلزله» است که در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه علوم انتظامی

امین انجام شد.

۲. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: n_bayat@ut.ac.ir

۳. مربی گروه فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: rezaadeli25@gmail.com

۴. استادیار گروه جغرافیا، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: ali.osanlu@yahoo.com

مقدمه

بحران‌های طبیعی، سالانه زندگی میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار می‌دهد، هزینه‌های هنگفت اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد و توسعه کشورها را با چالش روبه‌رو می‌سازد. مدیریت بحران‌های طبیعی می‌تواند این هزینه‌ها را کاهش داده و جوامع را در برابر این بحران‌ها ایمن و مصون کند (کمالی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۰). به عبارت دیگر، بلایای طبیعی بخشی از طبیعت و محیط زیست انسان‌ها است و انسان با تمام پیشرفت و توانایی خویش قادر به جلوگیری از بروز آن‌ها نیست. به دلیل قراردادن ایران بر روی کمربند زلزله خیر آلپ - هیمالیا، زلزله اصلی‌ترین بلای طبیعی است که هرچند یکبار شهر یا منطقه‌ای از ایران را در معرض آسیب و بحران قرار می‌دهد و ناتوانی در پیش‌بینی زمان وقوع آن، بزرگی و فشردگی شهرهای واقع بر روی گسل‌ها و تراکم جمعیت ساکن در آن‌ها آسیب‌پذیری جامعه و کشور را جدی می‌سازد و توجه به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر کشور از بلایای طبیعی، باید در اولویت برنامه‌ریزی کلان مدیریتی قرار گیرد.

بحران ناشی از وقوع زلزله، علاوه بر اینکه خسارات جانی و مالی فراوانی را به دنبال دارد، در تعاقب آن مشکلات عدیده‌ای را برای مردم آسیب‌دیده و نهادهای دولتی و غیردولتی به وجود آورده که از جمله این مشکلات می‌توان به پیامدهای امنیتی و انتظامی ناشی از آن اشاره کرد. برابر قانون، مهمترین و اساسی‌ترین مأموریت نیروی انتظامی، برقراری نظم و امنیت در این گونه وقایع است و از همه مهمتر یکی از وظایف اساسی مدیران، کنترل و ارزیابی مستمر عملکرد در راستای حفظ وضع موجود و بهبود آن است. بنابراین، نیروی انتظامی به عنوان یکی از سازمان‌های مهم درگیر در مدیریت بحران و عامل کنترل و برقراری امنیت داخلی از این مسئله مستثنی نبوده و ضروری است با بهره‌گیری از شیوه‌های اثربخش در مراحل مدیریت بحران، نقش حساس و بنیادی خود را با حداکثر کارایی ایفا کند (قالیباف و قراگوزلو، ۱۳۸۷، ص ۱۶۷). بنابراین پژوهشگران پژوهش حاضر تلاش کردند با بهره‌گیری از ادبیات مدیریت انتظامی زلزله و بهره‌گیری از نظرات فرماندهان و مدیران انتظامی برخوردار از سابقه مسئولیت اجرایی در مدیریت بحران زلزله در سراسر کشور، شیوه‌های مدیریت انتظامی بحران زلزله را شناسایی کنند.

پیشینه: عرفانی و مرادی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد شورای هماهنگی مدیریت بحران در زلزله استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۱» که جامعه آماری آن شامل ۲۲ نفر از خبرگان و

مسئولان محلی بودند به این نتایج رسیدند که حضور بیش از حد افراد و شخصیت‌هایی که مسئولیت اجرایی نداشته و در روند مدیریت بحران موثر نیستند باعث می‌شود توان نیروهای امنیتی و انتظامی برای کنترل اوضاع منطقه کم شود و مسئولان اجرایی شهرستان‌ها مقید به همراهی آن‌ها شوند (حضور تشریفاتی مسئولان). استقرار نیروهای نظامی و انتظامی در کمترین زمان ممکن در مناطق زلزله‌زده، به برخورد قاطع با افراد سودجو و متخلف و برخی اصناف که اقدام به گران‌فروشی می‌کردند، منجر می‌شود. همچنین تشکیل جلسه شورای تأمین به منظور برقراری امنیت ویژه در مناطق آسیب‌دیده نقش بارزی در نظم و امنیت منطقه بحران‌زده به وجود آورده، به طوری که حتی یک گزارش بی‌نظمی و سرقت به وجود نیامد. یآوری، گلستان‌هاشمی، چشم‌براه و خیام‌باشی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ساختار مدیریتی نظم و امنیت انتظامی در بحران‌های طبیعی (با تأکید بر الگو و ساختار مدیریت بحران در کشورهای هدف)» که با روش مطالعه تطبیقی، کشورهای کانادا، امریکا، ترکیه، پاکستان، هند و ژاپن بررسی شدند به این نتایج رسیدند که در اغلب کشورهای توسعه یافته رابطه‌ای مستقیم بین ساختار حکومت و سطوح برنامه‌ریزی مدیریت بحران وجود دارد و می‌توان با الگوبرداری یا بومی‌سازی الگوهای موثق و موفق مدیریت نظم و امنیت انتظامی در دنیا، به سطح مطلوبی از برتری تصمیم‌گیری در هماهنگی، هدایت عملیاتی و کنترل اثربخش بحران براساس مأموریت‌های ابلاغی و در راستای استقرار نظم و امنیت انتظامی در بحران‌های طبیعی دست یافت. میرحبیبی و مومنی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقش نیروی انتظامی در مدیریت بحران (زلزله بم ۱۳۸۲)» که به روش مشاهده میدانی و مطالعه اسنادی انجام شده به این نتیجه رسیده که با وجود همه کاستی‌ها و عمق بیش از تصور فاجعه، نیروی انتظامی با تمام توان و امکانات در صحنه حاضر شده و خدمت‌رسانی را از همان دقایق اولیه بامداد روز حادثه شروع کرده است. در پژوهش یادشده با توجه به امکانات و محل استقرار یگان‌های عملیاتی و مدیریت متمرکز بحران با محوریت قرارگاه مقدماتی از روزهای ابتدایی حادثه، به صورت مفصل فعالیت یگان‌ها و خلاصه‌ای از فعالیت‌های فرماندهی انتظامی استان درج شده است.

قاسمی، اشراقی، یآوری و یآوری (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «الگوی مرحله محور فرماندهی و کنترل در مدیریت بحران» که به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده بر لزوم اعمال فرماندهی و کنترل در مقابله با بحران‌ها با طراحی الگویی اثربخش برای ترسیم اقدامات پلیسی در مراحل سه‌گانه بحران

قبیل، حین و بعد) تأکید کرده‌اند. الگوی ارائه شده در پژوهش یادشده، کلیه الزامات و فرآیندهای حاکم بر فرماندهی و کنترل را با تفکر نظام‌مند بدون اعمال سلیقه شخصی، مبتنی بر اسناد بالادستی یکپارچه و منسجم ساخته است.

عادل (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در برقراری نظم و امنیت شهرستان بم با رویکرد مدیریت بحران» که جامعه آماری آن شامل ۵۰۱ نفر از مردم محلی، مسئولان نهادهای اجرایی و فرماندهان و مدیران انتظامی بودند به این نتایج رسیده است که عملکرد نیروی انتظامی در برقراری نظم و امنیت بحران ناشی از زلزله شهرستان بم در حوزه‌های عملکردی انتظامی، آگاهی و راهنمایی و رانندگی، در مرحله پاسخگویی و امداد رسانی براساس نگرش پاسخگویان (مردم، مسئولان دستگاه‌های اجرایی و کارکنان نیروی انتظامی) از حد متوسط بالاتر بود.

غلامحسینی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش و جایگاه نیروی انتظامی در مدیریت بحران طبیعی برف سال ۱۳۸۳ گیلان» که جامعه آماری آن شامل ۳۰۰ نفر از مسئولان اجرایی و مدیران شهری بودند به این نتایج رسیده است که از دید سازمان‌های امداد رسان و درگیر، رضایت‌مندی کلی از عملکرد فرماندهی انتظامی استان گیلان در مدیریت بحران بارش برف سنگین گیلان (بهمن ۸۳) وجود داشته است. خان محمدی، معمارزاده و وفادار (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی» که جامعه آماری آن شامل ۲۵ نفر از افسران خبره ناجا بودند به این نتایج رسیده‌اند که وقوع بحران از هر نوعی، تهدیدات امنیتی مرتبط با وظایف و ماموریت‌های نیروی انتظامی را ایجاد می‌کند و نیروی انتظامی در تمام بحران‌ها دارای مسئولیت بحران‌ستیزی است. چالوک (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل وضعیت موجود امنیتی شهر تهران و ارائه راهبرد انتظامی در برابر بحران زلزله» که جامعه آماری آن شامل ۵۳ نفر از فرماندهان نیروی انتظامی بودند به‌طور خلاصه به راهبردهای متنوعی دست یافته است که عبارت‌اند از: ایجاد ساختار جایگزین، مقاوم‌سازی اماکن و تأسیسات، کنترل ترافیک، ایجاد هماهنگی با ستاد کل، بسیج و سایر نیروهای مرتبط، انجام رزمایش، ایجاد تمهیدات لازم برای امداد رسانی به کارکنان نیروی انتظامی و خانواده‌های آنان.

شرستا، کریشان و کانچان^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی که با استفاده از اسناد و گزارش‌های رسمی ثبت

شده از زلزله سال ۲۰۱۵ کشور نپال انجام شده است، به واکاوی مسائل و مشکلات خدمات انتظامی و قضایی مربوط به تلفات انسانی ناشی زلزله می‌پردازد و نتیجه‌گیری کرده‌اند که ضعف مدیریت و نبود هماهنگی میان ارکان مدیریت بحران منجر به ناکارآمدی در فرایند تشخیص هویت اجساد و سایر خدمات لازم در این زمینه شده است. آن‌ها براساس نتایج به‌دست آمده معتقدند، ضروری است برای مدیریت بهینه خدمات مربوط به تلفات انسانی در بلایای طبیعی و همچنین رعایت کرامت انسانی کشته‌شدگان و بازماندگان آن‌ها، در عمل هماهنگی و همکاری منسجمی میان نیروی انتظامی، کارشناسان پزشکی قانونی و مقامات دولتی پدید آید.

در حوزه پژوهش‌های خارجی، پژوهش آدامز و اندرسون^۱ (۲۰۱۹) با عنوان «امور پلیسی در بلایای طبیعی: فشار روانی، تاب‌آوری، و چالش‌های مدیریت بحران»، با استفاده از گزارش‌های رسمی و شواهد اسنادی موجود، سه بلای طبیعی شامل توفان کاترینا^۲ در نیواورلئان، لوئیزیانا، گلفپورت و می‌سی‌سی‌پی^۳ در سال ۲۰۰۵، طغیان ابرتوفان^۴ در توسکالوسا و آلاباما^۵ در سال ۲۰۱۱ و زمین‌لرزه و سونامی سانتیاگو و کُنسپسیون^۶ شیلی در سال ۲۰۱۰ را بررسی کردند. براساس نتایج به‌دست آمده موضوع مشترکی که در تمام گزارش‌ها و اسناد و شواهد بررسی شده نمایان است، انسانیت و از خودگذشتگی کسانی است که خود را برای محافظت از دیگران به خطر می‌اندازند و پیامدهای ماندگار فجایع ناشی از این بلایا بر زندگی آن‌ها تاثیر می‌گذارد. برخی از ماموران درگیر در بحران ناشی از بلایا، رفتارهایی فراتر از نقش خود به‌عنوان مأمور پلیس نشان داده‌اند و بیشترین تعهد خود را برای خدمت و محافظت از مردم به کار بسته‌اند. این احساس وفاداری و وظیفه‌شناسی آنها فراتر از جنسیت، فرهنگ، رتبه شغلی و پیشینه شخصی آنهاست.

وارانو و شیفر^۷ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «امور پلیسی در بحران: نقش پلیسی در برنامه‌ریزی قبل و بعد از وقوع بحران» که به روش مطالعه نظری و کتابخانه‌ای انجام شده به بررسی چالش‌های انتظامی در بحران‌های طبیعی و انسانی پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند آمادگی پلیس در این زمینه می‌تواند نقش

1. Adams & Anderson

3. New Orleans, Louisiana, and Gulfport, Mississippi

5. Tuscaloosa, Alabama

7. Varano and Schafer

2. Hurricane Katrina

4. Tornado Super Outbreak

6. Santiago and Constitución

بسزایی در کنترل و مدیریت بحران داشته باشد و فقدان آمادگی و کارایی لازم در این زمینه می‌تواند آسیب‌ها و تهدیدهای جدی در پی داشته باشد. پژوهش یادشده نقش پلیس در بحران‌های ناشی از حملات یازده سپتامبر و طوفان‌های کاترینا و ریتا در ایالات متحده آمریکا را مطالعه می‌کند. یافته‌های پژوهش اثربخش بودن اقدامات پلیسی بر جلوگیری از هرج و مرج را نشان می‌دهد. بیشتر چالش‌های پلیس در این بحران‌ها، ضعف هماهنگی و ارتباط موثر بوده است. هارپر^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی که بر پایه گزارش‌های منتشرشده از مدیریت بحران ناشی از طوفان کاترینا در شهر نیواورلئان آمریکا انجام شده، شیوع جرم و جنایت و تضعیف امنیت شهری را به‌عنوان یکی از پیامدهای بحران در کانون توجه قرار می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بکارگیری نیروهای کارآموده با توان رزمی و عملیاتی بالا، نقش بسزایی در برقراری نظم و امنیت در این شهر داشته است.

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون در زمینه نقش و جایگاه نیروی انتظامی در مدیریت انواع بحران از جمله زلزله پژوهش‌های متنوعی به‌عمل آمده است اما در زمینه شیوه‌هایی منسجم به‌منظور مدیریت انتظامی بحران زلزله در چارچوب قبل، حین و بعد از وقوع زلزله پژوهش قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد؛ بنابراین با توجه به فقدان ادبیات علمی موجود، پژوهش حاضر می‌تواند اثری نو در این زمینه شناخته شود که از جنبه‌های نظری و کاربردی بالایی برخوردار است.

مبانی نظری: مدیریت انتظامی عبارت است از انجام سلسله فعالیت‌هایی برای نیل به اهداف سازمان پلیس با استفاده بهینه از منابع موجود که عبارت‌اند از: نیروی انسانی، سرمایه، فناوری و مواد اولیه و اطلاعات از طریق انجام چهار وظیفه مهم مدیریتی یعنی برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، رهبری و نظارت و کنترل (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۲). با توجه به تعریف یادشده، می‌توان گفت مدیریت انتظامی به مجموعه اقدامات سلبی و ایجابی پلیس گفته می‌شود که از طریق پیشگیری، کنترل و مقابله با هرگونه عامل مختل‌کننده نظم و امنیت عمومی و درون سرزمینی اعمال می‌شود (عادلی و بیات، ۱۳۹۸، ص ۹۰). «زمین لرزه عبارت است از حرکات و لرزش‌های ناگهانی و گذرا در زمین که از ناحیه محدودی منشأ می‌گیرد و از آنجا در تمام جهات منتشر می‌شود». همچنین «زلزله عبارت از حرکات و ارتعاشات ناگهانی سطح زمین ناشی از شکسته شدن سنگ‌های پوسته زمین و ره‌اشدن انرژی ذخیره شده در آن‌ها است که در

صورت شدت زیاد در مراکز انسانی موجب خسارت‌ها و زیان‌های فراوان می‌شود» (صداقت، ۱۳۸۹، ص ۲). بحران‌ها براساس منشأ پیدایش به دو دسته انسانی و طبیعی تقسیم می‌شوند. در این تقسیم‌بندی، بحران‌های انسانی شامل انواع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن می‌شود. این گونه بحران‌ها توسط انسان پدید می‌آیند، محیط انسانی را تهدید می‌کنند و موجب ضرر و زیان به افراد جامعه می‌شوند. بحران‌های طبیعی نیز به صورتی با عوامل طبیعی ارتباط دارند. این بحران‌ها با توجه به منشأ و محل تأمین انرژی آن‌ها می‌توانند در دو گروه اصلی تقسیم شوند: گروهی که منبع انرژی خود را از زمین دریافت می‌کنند (مانند: زلزله و آتشفشان) و گروهی که انرژی خود را از جو زمین دریافت می‌کنند و بیشتر ناشی از نوسان‌های اقلیمی‌اند (مانند: طوفان و سیل). نکته مهم این است که مخاطره‌های طبیعی که بدون دخالت انسان روی می‌دهند، چندان قابل پیشگیری نیستند؛ در مقابل، آمادگی و چگونگی مقابله با آنها ضرورت دارد (نوروزی و فرهادی، ۱۳۹۶، ص ۳۳). از یک نگاه طبقه‌بندی انواع بحران براساس سرعت و به‌ویژه براساس منشأ پیدایش بحران انجام می‌شود (اوزی، ۱۳۹۰، ص ۶). انواع بحران براساس سرعت وقوع به دو گروه بحران‌های ناگهانی و تدریجی تقسیم می‌شوند. زلزله، سیل، بهمین، طوفان از نمونه‌های بارز بحران‌های طبیعی ناگهانی به‌شمار می‌آیند و بحران‌های خشکسالی، گرمایش جهانی، بیابان‌زایی از نمونه‌های بارز بحران‌های تدریجی به‌شمار می‌روند. در این زمینه پارسونز^۱، انواع بحران را براساس سرعت وقوع به شرح زیر مشخص می‌کند:

۱- بحران‌هایی که فوری و ناگهانی رخ می‌دهند. این بحران‌ها دارای نشانه‌های هشداردهنده‌ی از پیش مشخص نیستند و به‌طور ناگهانی پدید می‌آیند. مردم و سازمان‌ها نیز توان لازم برای پیش‌بینی زمان وقوع آن برای برنامه‌ریزی و ایجاد آمادگی لازم را ندارند. اما می‌توان با برنامه‌ریزی‌های مناسب و فراهم ساختن تدارکات لازم در صورت وقوع چنین بحران‌هایی، پیامدهای آن‌ها را تا حد ممکن کمینه کرد؛

۲- بحران‌هایی که به‌طور تدریجی نمایان می‌شوند. این بحران‌ها با آهنگی کند به تدریج رخ می‌دهند و برنامه‌ریزی آگاهانه برای مقابله و مهار آن‌ها آسان‌تر به نظر می‌رسد؛

۳- بحران‌هایی که می‌تواند از یک نقطه شروع و تا زمان طولانی ادامه یابند. این گونه بحران‌ها هفته‌ها،

ماه‌ها و یا حتی سال‌ها به طول می‌انجامد (مانند جنگ داخلی و جنگ‌های بین‌المللی) و در درازمدت تلفات و خسارات گسترده‌ای به بار می‌آورند. شدت، دامنه گسترش، عوامل درگیر و ماهیت این گونه بحران‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در بکارگیری راهبردهای مقابله‌ای و مدیریتی آن‌ها دارد (ریاحی و زمانی، ۱۳۹۲، صص ۴-۵).

در یک تقسیم‌بندی دیگر بحران‌ها به دو دسته طبیعی و انسانی دسته‌بندی می‌شوند. بحران‌های طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان، سونامی، رانش زمین، خشکسالی، بهممن، هجوم حشرات و آفات به مزارع کشاورزی، تغییرات دمایی، آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع، فعالیت‌های آتشفشانی و مانند آن. بحران‌های انسانی مانند جنگ، ناآرامی سیاسی و اجتماعی، بیماری‌های همه‌گیر، فقر و گرسنگی، بیکاری، سوانح زمینی و هوایی و ریلی، تروریسم، تخریب و آلودگی محیط زیست و مانند آن. در برخی منابع تعداد بحران‌های طبیعی تا ۴۰ نوع و بحران‌های انسانی تا ۲۰ نوع گفته شده است (عبداللهی، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت داده‌ها و شیوه اجرا، پیمایش دلفی چندمرحله‌ای است. در این پژوهش، برای تشکیل گروه دلفی دو شیوه نمونه‌گیری غیراحتمالی شامل نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری گلوله‌برفی به کار رفت. در این شیوه نخست بر پایه نمونه‌گیری هدفمند، مشارکت ۱۰ نفر از فرماندهان انتظامی که از سابقه حضور و نقش‌آفرینی فعال در مدیریت کمیته یکی از بحران‌های زلزله دهه‌های اخیر برخوردار بودند جلب شد. سپس با بهره‌گیری از مشورت افراد یادشده به شیوه نمونه‌گیری گلوله‌برفی، مشارکت ۱۵ نفر دیگر از افرادی که از معیارهای یادشده برخوردار بودند به دست آمد. سرانجام با توجه به تنوع مشارکت‌کنندگان، تعداد اعضای پانل دلفی ۲۵ نفر با حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی تعیین شد. شرط برخورداری از سابقه مسئولیت در سطوح فرماندهی و مدیریت در یکی از بحران‌های زلزله رخ داده در کشور به عنوان معیار انتخاب مشارکت‌کنندگان در نظر گرفته شد.

بر پایه‌ی یافته‌های به دست آمده پس از انجام مرحله اکتشافی و تدوین گزاره‌ها با مشارکت اعضای گروه دلفی، پرسشنامه دلفی طراحی شد. پاسخنامه پرسشنامه به شکل بسته در چارچوب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (از ۱ تا ۵) طراحی شد. سرانجام به منظور بررسی نهایی روایی پرسشنامه به عنوان ابزار

پیمایش دلفی، از ۷ نفر از اعضای گروه دلفی نظرخواهی شد. براین اساس، نگارش برخی از گزاره‌ها و دسته‌بندی آن‌ها اصلاح شد و نسخه نهایی برای پیمایش دلفی آماده شد.

از آزمون‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، میانگین رتبه‌ای برای تجزیه و تحلیل نتایج نظرسنجی دلفی و همچنین ضریب توفقی کندال (W) برای بررسی سطح اجماع میان مشارکت‌کنندگان استفاده شد. پیمایش دلفی یا اجرای نظرسنجی دلفی تا جایی ادامه یافت که ضریب توفقی کندال به‌عنوان معیار توافق نظر میان مشارکت‌کنندگان، برابر با $0/7$ یا بیشتر از آن شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان: همان‌طور که در جدول ۱ آمده است، ۱۰۰ درصد مشارکت‌کنندگان مرد بودند. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان برابر با $46/12$ است. جوان‌ترین مشارکت‌کننده ۳۴ ساله و مسن‌ترین ۶۴ ساله است. از نظر سطح تحصیلات، ۴۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی، با ۲۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و ۲۴ درصد دارای تحصیلات دکتری تخصصی هستند.

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان در فرایند مطالعه دلفی

متغیر	طبقه‌بندی متغیر	تعداد (نفر)	درصد
سن	۳۰ تا ۴۰ ساله	۹	۳۶
	۴۰ تا ۵۰ ساله	۸	۳۲
	۵۰ تا ۶۰ ساله	۵	۲۰
	بالای ۶۰ سال	۳	۱۲
تحصیلات	کارشناسی	۷	۲۸
	کارشناسی ارشد	۱۲	۴۸
	دکتری تخصصی	۶	۲۴

یافته‌های بخش دلفی: در پایان مطالعات اکتشافی، پس از طی دو مرحله پیمایش دلفی، اجماع بالای ۷۰ درصد، در همه ابعاد مشاهده شد و بنابراین نظرسنجی و پیمایش دلفی به پایان رسید. شرح یافته‌های اجماع دلفی به تفکیک سه مرحله مدیریت انتظامی بحران زلزله و ابعاد مربوط به هریک از مراحل در ادامه می‌آید. در گام نخست از مطالعه دلفی بر شناسایی و صورت‌بندی گزاره‌های مدنظر پرداخته شد. در این راستا

طی مرور ادبیات تجربی و نظری پژوهش فهرستی متشکل از گزاره‌های مدیریت انتظامی بحران زلزله به تفکیک سه مقطع پیش از وقوع بحران، حین بحران و پس از بحران تدوین شد. طی مرحله پالایش اولیه، ۳۵ گزاره درباره مرحله قبل از بحران، ۴۰ گزاره درباره مرحله حین بحران و ۹ گزاره درباره مرحله پس از بحران به دست آمد. سپس تشکیل گروه دلفی در دستور کار قرار گرفت. پس از تشکیل گروه دلفی، اطلاع‌رسانی به اعضا درباره موضوع و ارکان مسئله پژوهش انجام شد. سپس نظرخواهی دلفی از مشارکت‌کنندگان آغاز و گزاره‌های مستخرج از ادبیات پژوهش برای اعلام نظر در اختیار آنها قرار گرفت. پس از تجمیع نظرات و دسته‌بندی آنها در سه بعد مدنظر (مدیریت انتظامی قبل، حین و بعد از بحران زلزله) تعداد کل گزاره‌ها به ۱۱۱ گزاره افزایش یافت که شامل ۴۷ گزاره درباره مدیریت انتظامی قبل از بحران زلزله، ۴۹ گزاره درباره مدیریت انتظامی حین بحران زلزله و ۱۵ گزاره مدیریت انتظامی پس از بحران زلزله، بودند. شرح یافته‌های مربوط به پنج بعد مدیریت انتظامی قبل از بحران زلزله، براساس یافته‌های به دست آمده در مرحله نهایی دستیابی به اجماع دلفی به شرح زیر است. گفتنی است که میانگین رتبه‌ای هر یک از گزاره‌ها برای رتبه‌بندی آنها به کار رفت.

اجماع دلفی: مدیریت انتظامی قبل از بحران زلزله

۱- ملاحظات «فرماندهی» پیش از وقوع بحران زلزله: این ملاحظات یکی از کلیدی‌ترین ابعاد مدیریت انتظامی بحران زلزله است. در دور دوم از اجرای پیمایش دلفی، ضریب توافقی کنдал برابر با $0/74$ به دست آمد. قابل توجه این که ۷ گزاره از ملاحظات «فرماندهی» پیش از بحران، میانگین نهایی بالاتر از ۴ به دست آوردند که بیانگر اهمیت بسیار بالای آنها از نظر مشارکت‌کنندگان است.

۲- آموزش و توانمندسازی کارکنان: یکی از ارکان اصلی مدیریت انتظامی پیش از وقوع هر بحرانی، برخورداری از نیروی انسانی آموزش دیده و توانمند است. این مفهوم با استفاده از ۹ گزاره در فرایند دلفی بررسی شد. مقدار ضریب توافقی کنдал در مرحله نهایی برابر با $0/82$ به دست آمد. در ۸ گزاره میانگین به دست آمده بالاتر از عدد ۴ محاسبه شده است که بیانگر اهمیت بسیار بالای آنها از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است.

۳- مدیریت منابع سازمانی: موفقیت سازمان‌های متولی مدیریت بحران زلزله به‌ویژه نیروی انتظامی، برای دستیابی به بیشینه کارایی و عملکرد بهینه، نیازمند مدیریت مطلوب منابع سازمانی است. یافته‌های مرحله نهایی پیمایش دلفی مقدار ضریب توافقی کنдал را برابر با $0/90$ نشان می‌دهد. در هر چهار گزاره

این مفهوم نیز مقدار میانگین بالاتر از ۴ محاسبه شد که درجه اهمیت بسیار بالای آن‌ها از نظر اعضای گروه دلفی را آشکار می‌سازد.

۴- اقدامات لجستیکی و پدافندی: توانمندی‌های لجستیکی و تدابیر پدافندی موثر از ارکان اصلی موفقیت نیروهای نظامی و انتظامی در عرصه‌های عملیاتی و مدیریت بحران زلزله است. براساس یافته‌های نهایی پیمایش دلفی، ضریب توافقی کندال در این زمینه برابر با $7/47$ به دست آمد. در ۱۴ گزاره، میانگین به دست آمده بیشتر از ۴ است که بیانگر اهمیت بسیار بالای اغلب گزاره‌های مربوط به این بعد از دیدگاه اعضای گروه دلفی است.

۵- بسترسازی تعامل درون و برون سازمانی: در شرایط پیچیده کنونی، ماموریت و وظایف قانونی سازمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای با یکدیگر پیوند خورده و درهم تنیده است. این وضعیت ضرورت انسجام، وحدت رویه، هماهنگی و ارتباطات موثر میان اجزای درونی سازمان‌ها و همچنین تعامل سازنده با دیگر سازمان‌های مرتبط و اثرگذار بر ماموریت را آشکار می‌سازد. مقدار ضریب توافقی کندال این بعد برابر با $0/89$ به دست آمد. در شش گزاره این بعد، مقدار میانگین به دست آمده بالاتر از ۴ و در چهار گزاره دیگر، نزدیک به ۴ به دست آمد که در مجموع اهمیت بسیار بالای گزاره‌های به کار رفته از نظر مشارکت کنندگان را نمایان می‌سازد.

اجماع دلفی: مدیریت انتظامی حین بحران زلزله

براساس یافته‌های مرحله اکتشافی مطالعه دلفی، ۴۹ گزاره در مدیریت انتظامی حین بحران زلزله ساماندهی شد و در فرایند صورت‌بندی و دسته‌بندی گزاره‌ها، به ۶ محور یا بعد مختلف تقسیم شدند. شرح یافته‌های این بخش از پژوهش به تفکیک شش بعد شناسایی شده در ادامه می‌آید.

۱- «فرماندهی» حین بحران زلزله: فرماندهان انتظامی در هنگام بروز بلایای طبیعی، از جمله زلزله، براساس آمادگی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تدارکاتی که قبل از وقوع بحران پیش‌بینی کرده‌اند و همچنین راهبردها و تاکتیک‌های عملیاتی که متناسب با شرایط بحرانی به کار می‌گیرند، از ارکان تعیین‌کننده در مدیریت بحران شناخته می‌شوند. ضریب توافقی کندال گزاره‌های بعد «فرماندهی» انتظامی حین بحران زلزله برابر با $0/81$ به دست آمد. در ۸ گزاره مقدار میانگین به دست آمده بالاتر از ۴ به دست آمد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت کنندگان میزان اهمیت گزاره‌های مربوط به «فرماندهی» حین بحران زلزله را در سطح بسیار بالایی می‌نگرند.

۲- رسیدگی به مشکلات کارکنان آسیب‌دیده از زلزله: هنگام وقوع انواع بلایای طبیعی بحران‌زا، به‌ویژه بحران ناشی از بلای زلزله به‌طور طبیعی کارکنان نیروهای انتظامی و خانواده آن‌ها نیز همانند دیگر اقشار مردم در معرض آسیب‌های جانی، روانی و مالی قرار می‌گیرند. در این شرایط لازم است فرماندهان و مدیران انتظامی بخشی از امکانات سازمانی در اختیار را صرف رسیدگی به مشکلات همکاران آسیب‌دیده و خانواده آن‌ها کنند تا با ایجاد آرامش نسبی در جمع کارکنان به آسودگی خاطر بیشتری در عملیات مدیریت انتظامی بحران شرکت کنند. ضریب توافقی کندال در دور دوم برابر با $0/88$ به‌دست آمد که بیانگر سطح بالایی از اجماع و اتفاق نظر میان اعضای مشارکت‌کننده در مطالعه دلفی است.

۳- «مدیریت ترافیک درون‌شهری و برون‌شهری» حین بحران زلزله: ضریب توافقی کندال این بعد برابر با $0/90$ محاسبه شد که در این باره سطح بسیار بالایی از اجماع و اتفاق نظر میان مشارکت‌کنندگان را آشکار می‌سازد. همچنین میانگین به‌دست آمده در سه گزاره بالاتر از ۴ و در یک گزاره نیز نزدیک به آن است که این وضعیت اهمیت بسیار بالای گزاره‌های این بعد را آشکار می‌سازد.

۴- «کنترل و مقابله با جرم و بی‌نظمی» حین بحران زلزله: تجربه‌های موجود نشان می‌دهد که آشفتگی‌ها و ویرانی‌های ناشی از بلایای طبیعی همچون زلزله می‌تواند فرصت لازم برای ارتکاب جرم را برای مجرمان بالقوه و افراد فرصت‌طلب به‌وجود آورد. بنابراین لازم است نیروی انتظامی بر پایه‌ی برنامه‌ریزی‌ها پیش‌بینی از قبل، برای مقابله با جرم و بی‌نظمی در زمان وقوع بحران‌های طبیعی، از جمله زلزله، و همچنین اتخاذ تدابیر لازم متناسب با شرایط بحرانی فرصت انجام اعمال مجرمانه را از مجرمان و فرصت‌طلبان سلب نماید. در این زمینه بر پایه‌ی مطالعات اکتشافی پژوهش ۹ گزاره برای مرحله پیمایش دلفی به کار رفت. طی مرحله دوم پیمایش دلفی مقدار ضریب توافقی کندال درباره گزاره‌های «کنترل و مقابله با جرم و بی‌نظمی» در زمان بحران برابر با $0/84$ به‌دست آمد، که سطح اجماع میان مشارکت‌کنندگان را در حد بالایی نشان می‌دهد. همچنین در اکثر گزاره‌ها میانگین به‌دست آمده بالاتر از عدد ۴ است خود میزان بالای اهمیت این بخش از یافته‌ها را آشکار می‌کند.

۵- «آماده‌باش، بسیج کارکنان و تجهیزات پلیسی»: اعلام آمادگی‌باش، بسیج و متحدکردن اجزای سازمان، اعزام کارکنان، گسیل امکانات و تجهیزات لازم از همه رده‌ها و پلیس‌های تخصصی یکی از مهمترین اقدامات فرماندهان و مدیران انتظامی در مواقع بحرانی است. ضریب توافقی کندال $0/75$ به‌دست آمد.

همچنین میانگین به دست آمده در اغلب گزاره‌ها بالاتر از ۴ است که این وضعیت اهمیت بسیار بالای «آماده‌باش، بسیج کارکنان و تجهیزات پلیسی» در حین بحران از دیدگاه مشارکت‌کنندگان یا اعضای گروه دلفی را آشکار می‌سازد.

۶- «اقدامات حفاظتی - تامینی»: نیروی انتظامی با توجه به نقش و وظیفه ذاتی خود در تامین نظم و امنیت داخلی، نقش تعیین‌کننده‌ای نیز در تامین امنیت و انجام اقدامات حفاظتی لازم در مواقع وقوع بحران دارد. بیشترین تعداد گزاره‌های شناسایی شده، به این مفهوم مربوط است. این بعد مدیریت انتظامی بحران زلزله، به روشنی گویای تنوع نقش‌ها و مسئولیت‌های نیروی انتظامی در برقرار نظم و امنیت است. برپایه یافته‌های حاصل از مرحله نهایی پیمایش دلفی، مقدار ضریب توافقی کندال این بعد $0/74$ به دست آمد که بیانگر سطح قابل قبولی از اجماع و توافق نظر میان مشارکت‌کنندگان است.

اجماع دلفی: مدیریت انتظامی پس از بحران زلزله

در این بخش از یافته‌های پژوهش، بر پایه مطالعات اکتشافی و پیمایش دلفی، یافته‌های مربوط به ابعاد مدیریت انتظامی مرحله پس از وقوع بحران زلزله می‌آید.

۱- «عادی‌سازی شرایط انتظامی در منطقه زلزله‌زده»: عادی‌سازی شرایط انتظامی و بازگرداندن امنیت و آرامش فردی و اجتماعی شرط لازم برای انجام مجموعه اقدامات مدیریتی مرحله پس از بحران زلزله است. بنابراین پس از فروکش کردن شوک‌های اولیه و پایان شرایط اضطراری، نیروی انتظامی باید عادی‌سازی شرایط انتظامی در منطقه زلزله‌زده را به‌طور اصولی در دستور کار قرار دهد. در این راستا، در مرحله اکتشافی دلفی دو گزاره شناسایی شد و در فرایند پیمایش دلفی قرار گرفت. در دور دوم از نظرسنجی دلفی سطح اجماع مشارکت‌کنندگان، براساس محاسبه ضریب توافقی کندال، به $0/84$ رسید که بیانگر میزان بالای اتفاق نظر گروهی میان مشارکت‌کنندگان است. میانگین دو گزاره بررسی شده نیز بالاتر از ۴ در طیف پنج‌گزینه‌ای است که بیانگر اهمیت بسیار بالای این بعد از مدیریت انتظامی پس از بحران زلزله از دیدگاه اعضای گروه دلفی است.

۲- «ترمیم و بازسازی»: ترمیم و بازسازی خرابی‌ها و ویرانی‌های ناشی از انواع بحران به‌ویژه زلزله در کانون اقدامات مدیریت بحران در دوره پس‌ابحران قرار دارد. بر پایه یافته‌های مرحله اکتشافی دلفی، مجموع شش گزاره مربوط به این بعد از مدیریت انتظامی بحران پس از زلزله بر اقدامات ترمیم، بازسازی و ساماندهی

دوباره منابع سازمانی پلیس تمرکز دارد. ضریب توافقی کندال این مفهوم، $0/78$ به دست آمد. همچنین میانگین همه گزاره‌ها بالاتر از 4 به دست آمد که بیانگر اهمیت بسیار بالای گزاره‌های مربوط به مدیریت انتظامی پس از بحران زلزله در بعد ترمیم و بازسازی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است.

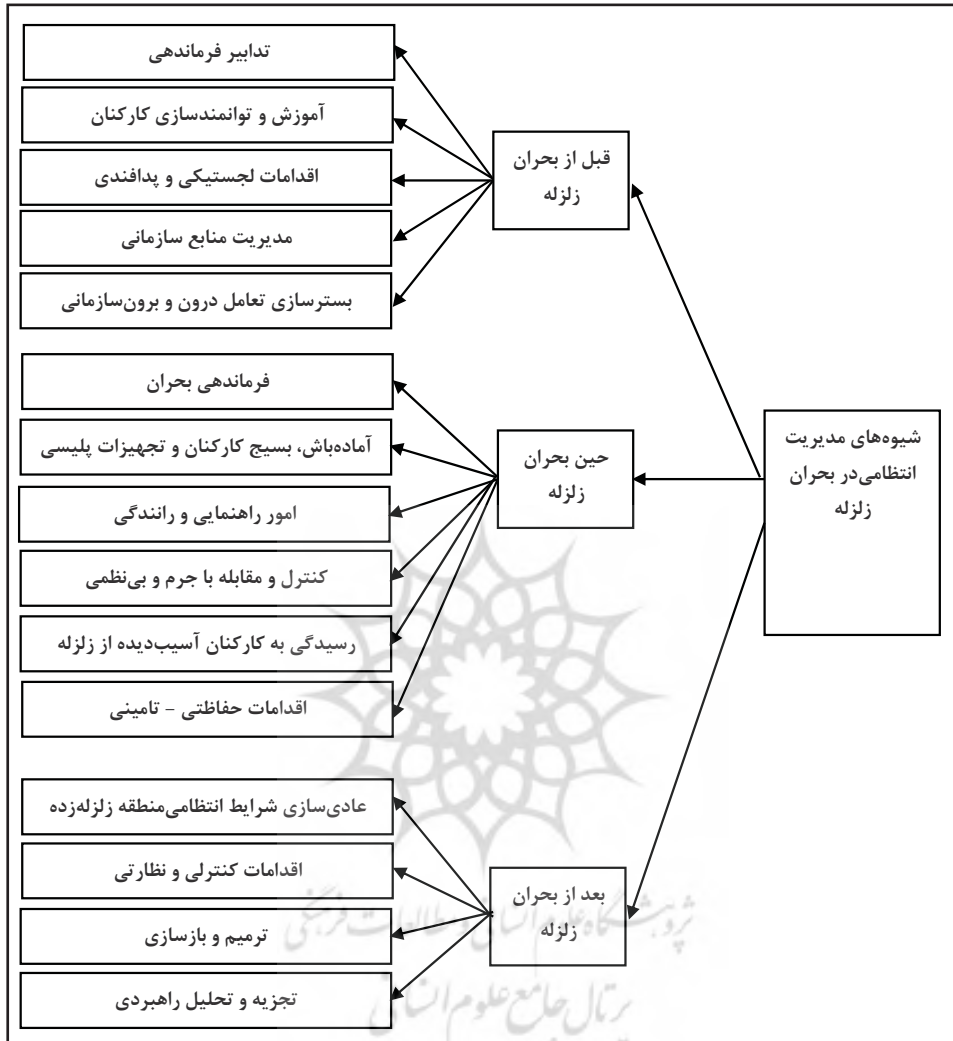
۳- «اقدامات کنترلی و نظارتی»: نیروی انتظامی به عنوان یکی از سازمان‌های نظارتی در چارچوب وظایف قانونی خود، نقش مهمی در فرایند مدیریت پس از بحران دارد. ضریب توافقی کندال در ارتباط با این بعد از مدیریت بحران پس از زلزله $0/93$ به دست آمد. میانگین همه گزاره‌های این بعد نیز بالاتر از 4 به دست آمد که نشان‌دهنده اهمیت بسیار بالای آنها از دیدگاه مشارکت‌کنندگان است.

۴- «تجزیه و تحلیل راهبردی مدیریت انتظامی بحران»: مستندسازی مجموعه اقدامات مدیریت بحران به‌ویژه ناشی از زلزله، از آغاز تا پایان بخش مهمی از فرایند مدیریت انتظامی بحران است. این موضوع از ابعاد مختلف دارای اهمیت است و می‌تواند نقش بسزایی در بهبود فرایندهای موجود داشته باشد. در مرحله مطالعات اکتشافی دلفی ۳ گزاره با مضمون «مستندسازی تجزیه و تحلیل اقدامات» شناسایی شد. در دور دوم از پیمایش دلفی، اجماع میان مشارکت‌کنندگان درباره «اقدامات کنترلی و نظارتی» مدیریت انتظامی پس از بحران زلزله $0/89$ به دست آمد که بیانگر سطح بالای توافق میان اعضای گروه دلفی است. همچنین میانگین همه گزاره‌ها بالاتر از 4 به دست آمد که اهمیت بسیار بالای آنها از نظر مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اساسی این پژوهش، شناسایی شیوه‌های مدیریت انتظامی در بحران زلزله با طرح پرسش پیرامون مراحل سه‌گانه مدیریت بحران است. برآیند نتایج پژوهش در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش در چارچوب شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. شیوه‌های مدیریت انتظامی در بحران ناشی از زلزله

به‌طور کلی مدیریت شرایط قبل از وقوع بحران نقش تعیین‌کننده‌ای در کاستن از اثرات و پیامدهای منفی ناشی از وقوع انواع بحران، به‌ویژه بحران‌های طبیعی همچون زلزله دارد. همچنین برنامه‌ریزی‌ها و تدابیر مدیریتی پیش از وقوع بحران می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تسهیل چرخه مدیریت بحران و ارتقای کارآمدی مدیریت بحران در حین وقوع بحران و پس از آن داشته باشد. بنابراین، نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مدیریت بحران‌های انسانی و طبیعی نیز لازم است همواره از سطح آمادگی

بالایی برای مواجهه با انواع بحران از جمله بحران طبیعی زلزله داشته باشد. نتایج این بخش از پژوهش به‌ویژه در زمینه بهره‌گیری از الگوهای موفق جهانی با پژوهش یاوری، گلستان‌هاشمی، چشم‌براه و خیام‌باشی (۱۳۹۵) در زمینه‌های فراهم کردن برنامه مؤثر برای مدیریت بلایا و راهبردهای مشخص برای مدیریت نظم و امنیت پلیس در بحران‌های طبیعی، همخوانی دارد.

از جمله پژوهش‌هایی که به نقش آموزش و توانمندسازی کارکنان در مقابله با بحران‌های طبیعی توجه کرده است می‌توان به پژوهش فتاحی، دشت بزرگ و مهران‌فرد (۱۳۹۸) اشاره کرد. بخشی از نتایج پژوهش غلامحسینی (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که آموزش کارکنان نیروی انتظامی با افزایش عملکرد آنها در مدیریت بحران رابطه مستقیم دارد. همچنین از آثار علمی خارجی که به اهمیت رویکرد توانمندسازی کارکنان پلیس در مدیریت بحران‌های طبیعی، به‌طور گسترده توجه کرده است می‌توان به پژوهش آدامز و اندرسون (۲۰۱۹) اشاره کرد.

مدیریت هدفمند منابع سازمانی از دیگر نتایج پژوهش در زمینه مدیریت انتظامی پیش از بحران است. دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه و بودجه نیروی انتظامی (۱۳۸۶) نیز در بخشی از پژوهش مندرج در پیشینه، بر حساسیت‌های مدیریت منابع سازمانی نیروی انتظامی در مدیریت بحران تاکید کرده و به چالش «محدودیت‌های بودجه‌ای و قوانین خاص در خصوص هزینه‌کرد منابع سازمانی و مالی» اشاره کرده است. نتایج پژوهش مبنی بر «بسترسازی تعامل درون و برون سازمانی» در پژوهش غلامحسینی (۱۳۹۱) نیز تاکید شده است و نشان می‌دهد بین تعامل نیروی انتظامی با سایر سازمان‌های نقش‌آفرین در مدیریت بحران با افزایش رضایت‌مندی از عملکرد نیروی انتظامی در مدیریت بحران‌های طبیعی رابطه مستقیمی وجود دارد.

هدف و پرسش فرعی دوم پژوهش بر شیوه‌های مدیریت انتظامی حین وقوع بحران زلزله، متمرکز بود. مرحله مدیریت انتظامی حین بحران زلزله از لحظه وقوع زلزله تا پایان خدمات اضطراری و امدادی ادامه دارد، تا اینکه شرایط برای عادی‌سازی وضعیت انتظامی منطقه زلزله فراهم شود. این مرحله از مدیریت بحران از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است. در واقع فرماندهان و مدیران انتظامی براساس برنامه‌ریزی‌ها و تدابیر از پیش اندیشیده شده، در چارچوب وظایف قانونی نیروی انتظامی و همچنین با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر بحران به نقش‌آفرینی در مدیریت بحران می‌پردازند. گفتنی است که،

با وجود برنامه‌ریزی‌ها و تدابیر از پیش تعیین شده در مراحل قبل از وقوع بحران، باید در نظر داشت که بسیاری از بحران‌ها، ممکن است مسائل منحصر به فرد و نوپدید را به همراه داشته باشند، و به عبارتی بر پایه اصل عدم قطعیت، رخداد‌های پیش‌بینی‌ناپذیری را در پی داشته باشند. در این شرایط، نبوغ و خلاقیت فرماندهان در تسلط بر شرایط جدید و همچنین کارآمدی کارکنان انتظامی حاضر در صحنه بحران، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت انتظامی حین وقوع بحران زلزله خواهد داشت. بر پایه نتایج پژوهش، پیاده‌سازی درست و دقیق برنامه‌ها و تدابیر انتظامی حین وقوع بحران، نیازمند اصولی است که در این پژوهش آنها پرداخته شد. در این خصوص نتایج پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) در زمینه فرماندهی حین بحران زلزله، در برخی ابعاد بارویکرد کلی این پژوهش همخوانی دارد. این پژوهش الگوی مرحله محور فرماندهی و کنترل در مدیریت بحران‌های انتظامی و اعمال اثربخش فرماندهی و کنترل در این زمینه را مدنظر قرار داد.

از جمله پژوهش‌های مشابه، که به موضوع رسیدگی به مشکلات کارکنان ساکن منطقه زلزله‌زده و خانواده آنها توجه کرد، می‌توان به پژوهش چالوک (۱۳۸۹)، اشاره کرد. همچنین عادل (۱۳۹۱) یکی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی مدیریت انتظامی در حین بحران زلزله را رسیدگی به مشکلات کارکنان آسیب‌دیده از زلزله در نظر گرفته است.

بخش دیگری از نتایج پژوهش بر کنترل و مقابله با جرم و بی‌نظمی در حین وقوع بحران زلزله تاکید دارد. بر اساس تجربه‌های جهانی، شیوع جرایمی چون سرقت و غارت اموال دولتی و مردم، مسئله‌ای شناخته شده است. به طور مثال در زمان وقوع توفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ در منطقه نیواورلئان آمریکا، شیوع جرم سرقت و بی‌نظمی در خلال بحران، به مسئله‌ای جدی تبدیل شد. پژوهش هارپر (۲۰۱۲) در بردارنده نتایج مشابهی با پژوهش حاضر است.

بر اساس نتایج این پژوهش آماده‌باش، بسیج کارکنان و تجهیزات پلیسی، از دیگر ارکان مدیریت انتظامی حین بحران است. از جمله پژوهش‌های برخوردار از نتایج مشابه در این زمینه می‌توان به پژوهش دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه و بودجه نیروی انتظامی (۱۳۸۶) اشاره کرد. در این پژوهش به طور مفصل شرح وظایف کلیه پلیس‌های تخصصی و نحوه حضور آنها در صحنه بحران زلزله تشریح شده است.

بر پایه نتایج پژوهش اقدامات حفاظتی - تامینی، رکن مهم دیگری از مدیریت انتظامی حین بحران زلزله است. در این زمینه، پژوهش میر حبیبی و مومنی (۱۳۹۴) نقش نیروی انتظامی در تامین نظم و امنیت بحران زلزله را با تاکید بر زلزله بم به طور مفصل مورد مطالعه قرار داده است و با نتایج پژوهش حاضر همپوشانی دارد. همچنین پژوهش عادل (۱۳۹۱) دارای نتایجی مشابه با این بخش از این پژوهش است. هدف و پرسش سوم پژوهش بر شیوه‌های مدیریت انتظامی بعد از بحران زلزله متمرکز بود. مرحله پس از بحران، زمانی است که خدمات رسانی اضطراری توسط نهادها و سازمان‌های امداد رسان به پایان می‌رسد، به طوری که افراد گرفتار زیر آوار خارج می‌شوند، معابر عمومی بازگشایی می‌شود، خسارت‌های وارده توسط سازمان‌های مسئول به طور کامل برآورد می‌شود، نظم و آرامش نسبی به منطقه زلزله زده باز می‌گردد و نوبت بازسازی منطقه زلزله زده توسط نهاد‌های مسئول فرامی‌رسد. نیروی انتظامی به عنوان یکی از ارکان اصلی مدیریت بحران‌های طبیعی در این مرحله، نیز نقش تعیین کننده‌ای بر عهده دارد. در ادامه به بیان نتایج براساس برآیند محورهای مطرح شده در یافته‌های مرتبط با این بند از پژوهش پرداخته می‌شود.

از جمله پژوهش‌هایی که با رویکرد راهبردی به تجزیه و تحلیل مدیریت انتظامی بحران پرداخته‌اند می‌توان به پژوهش چالوک (۱۳۸۹) اشاره کرد. مهمترین راهبردهای حاصل از یافته‌های تحقیق به ترتیب اولویت عبارت‌اند از ایجاد ساختار جایگزین، مقاوم سازی اماکن و تاسیسات، کنترل ترافیک، ایجاد هماهنگی با ستاد کل، بسیج کارکنان مرتبط، انجام رزمایش، ایجاد تمهیدات لازم برای امداد رسانی به کارکنان نیروی انتظامی و خانواده‌های آنان. همچنین انوری و بورقانی فراهانی (۱۳۹۴) در پژوهشی بر اهمیت دیدگاه راهبردی در مدیریت بحران‌های طبیعی تاکید کرده‌اند. آنها معتقدند، مدیریت راهبردی به عنوان یکی از کاراترین حوزه‌های مدیریت، به توسعه علوم تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و ارزیابی تصمیم با دیدگاه بلندمدت پرداخته و تغییرات ایجاد شده در این حوزه حاکی از جنبه‌هایی است که می‌تواند گام مهمی برای تحقق و دستیابی به اهداف هر کوشش ساختار یافته باشد.

پیشنهادها

مدل اکتشافی تحقیق به طور مفصل در بر دارنده پیشنهاد‌های کاربردی برای مدیریت بحران زلزله در ابعاد مختلف است. به طور خلاصه براساس نتایج پژوهش، مهمترین پیشنهاد‌های کاربردی زیر در حوزه مدیریت

انتظامی بحران ناشی از زلزله در ایران است.

- ◆ تدوین الگوی فرماندهی انتظامی در مدیریت انتظامی بحران زلزله (قبل، حین و بعد؛
- ◆ ارتقای دانش و مهارت فرماندهان در زمینه سناریوسازی، شبیه‌سازی و اجرای رزمایش مدیریت انتظامی بحران زلزله؛
- ◆ آموزش و توانمندسازی فرماندهان انتظامی با پایه دانش و مهارت‌های لازم برای مدیریت بحران زلزله؛
- ◆ آموزش و توانمندسازی کارکنان نیروی انتظامی با اهداف تاب‌آوری جسمی و روانی در مواقع بحرانی؛
- ◆ توجه به ملاحظات پدافند غیرعامل در برابر بلایای طبیعی؛
- ◆ ارتقای دانش و مهارت فرماندهان و مدیران در زمینه اقدامات لجستیکی و پشتیبانی در هنگام وقوع زلزله و بلایای طبیعی؛
- ◆ تدوین ضوابط و ارتقای دانش و مهارت لازم در زمینه مدیریت منابع سازمانی در مواقع بلایای طبیعی از جمله زلزله؛
- ◆ بسترسازی و رفع موانع تعامل درون و بیرون سازمانی نیروی انتظامی در مواقع وقوع زلزله و دیگر بلایای طبیعی؛
- ◆ تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های تسهیل‌کننده رسیدگی به مشکلات کارکنان آسیب‌دیده از زلزله و دیگر بحران‌های انسانی و طبیعی؛
- ◆ دانش‌افزایی در زمینه روش‌های تجزیه و تحلیل راهبردی مدیریت انتظامی در بحران‌ها.

سپاسگزاری

از سردار سرتیپ دکتر بهرام نوروزی که تجربه‌های اجرایی و ارزنده خود را در اختیار پژوهشگران قرار دادند، کمال تقدیر و تشکر به عمل می‌آید. همچنین از مشارکت ارزنده فرماندهان انتظامی در فرایند پژوهش قدردانی می‌شود.

فهرست منابع

- انوری، نعمت‌اله و بورقانی فراهانی، سهیلا. (۱۳۹۴). ارائه الگوی راهبردی توسعه امنیت ساختمان‌ها در برابر زلزله. *مدیریت فردا*، (۴۵)، صص ۱۱۷-۱۲۹. قابل بازیابی از: <http://www.modiriyatfarda.ir/Article/13971114177354>
- اوزی، رمضان. (۱۳۹۰). *جغرافیای مخاطرات*. محمد ظاهری، مترجم. تبریز: نشر دانشگاه تبریز.
- چالوک، غلامرضا. (۱۳۸۹). تحلیل وضعیت موجود امنیتی شهر تهران و ارائه راهبرد نظامی در برابر بحران زلزله با استفاده از تکنیک SWOT. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت/نظامی*، (۴)۵، صص ۶۵۰-۶۷۶. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_91991_c4f13a026453a10ada604972dcd37b97.pdf
- خان محمدی، سهراب؛ معمارزاده، غلامرضا و وفادار، حسین. (۱۳۸۹). تبیین ابعاد و مولفه‌های بحران نظامی. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت/نظامی*، (۱)۵، صص ۱۰۱-۱۱۷. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=127611>
- دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه و بودجه نیروی نظامی. (۱۳۸۶). چالش‌ها و راهکارهای مدیریت نظامی بحران. گزارش تخصصی. ریاحی، وحید و زمانی، لقمان. (۱۳۹۲). مدیریت بحران زلزله در سکونت‌گاه‌های روستایی شهرستان سروآباد. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، (۱)۲، صص ۱۵۱-۱۶۹. قابل بازیابی از: <https://serd.khu.ac.ir/article-1-1613-fa.html>
- صداقت، محمود. (۱۳۸۹). *زمین‌شناسی برای جغرافیا*. تهران: انتشارات پیام نور.
- عادلی، علیرضا. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران در برقراری نظم و امنیت شهرستان بم با رویکرد مدیریت بحران. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت/نظامی*، (۲)۷، صص ۲۵۳-۲۸۱. قابل بازیابی از: http://pmsq.jrl.police.ir/article_92066.html
- عادلی، علیرضا و بیات، ناصر. (۱۳۹۸). طرح پژوهشی *مدیریت/نظامی در بحران ناشی از زلزله*. معاونت پژوهش دانشگاه علوم نظامی امین، تهران: ایران.
- عبداللهی، مجید. (۱۳۹۱). *مدیریت بحران در نواحی شهری*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- عرفانی، علیرضا و حجت‌اله مرادی. (۱۳۹۵). بررسی عملکرد شورای هماهنگی مدیریت بحران در زلزله استان آذربایجان شرقی سال ۱۳۹۱. *فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری*، (۲۷)۷، صص ۱۶۹-۱۲۹. قابل بازیابی از: https://journals.ihu.ac.ir/article_201966.html
- غلامحسینی، اسماعیل. (۱۳۹۱). بررسی نقش و جایگاه نیروی نظامی در مدیریت بحران‌های طبیعی (مطالعه موردی: بحران سفید، بحران برف ۱۳۸۳ گیلان). *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت/نظامی*، (۴)۷، صص ۵۴۹-۵۶۸. قابل بازیابی از: http://journals.police.ir/article_91893.html
- فتاحی، تورج؛ دشت بزرگ، محمود و مهران فرد، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی نقش دوره‌های آموزش ضمن خدمت بر مدیریت بحران و کاهش سوانح از دیدگاه کارکنان و مدیران (مطالعه موردی: شرکت برق منطقه‌ای خوزستان). پنجمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری. تهران: موسسه آموزشی عالی مهر اروند و مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- قاسمی، محمد؛ اشراقی، مهرداد؛ یآوری، علیرضا و یآوری، آرش. (۱۳۹۲). الگوی مرحله محور فرماندهی و کنترل در مدیریت بحران‌های نظامی. *پژوهشنامه نظم و امنیت/نظامی*، (۲۳)۳، صص ۱۱۹-۱۴۲. قابل بازیابی از: http://www.osra.jrl.police.ir/article_9799
- قالیباف، محمدباقر و قراگوزلو، زهرا. (۱۳۸۷). بررسی نقش و جایگاه پلیس در مدیریت بحران شهر تهران هنگام بروز بلایای طبیعی با تأکید بر زلزله. *مطالعات/امنیت/اجتماعی*، (۲۶)۲، صص ۹۹-۱۲۴. قابل بازیابی از: <http://noo.rs/bpCLa>
- کمالی، الهام. (۱۳۹۲). بررسی آسیب‌پذیری چند زمین‌لرزه مهم ده سال گذشته در جهان (از ۱۳۸۲-۱۳۹۱). *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، (۱)۳، صص ۶۴-۸۶. قابل بازیابی از: <http://noo.rs/6Haal>
- مصطفی‌نژاد، حسن. (۱۳۸۹). *الگوی مدیریت/نظامی بحران‌های قومی ایران (مطالعه موردی قوم کرد)*. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی.

میرحیسی، حمیدرضا و مومنی، اسکندر. (۱۳۹۴). نقش نیروی انتظامی در مدیریت بحران (مورد مطالعه زلزله بم). *دانش انتظامی*، ۶(۱۴)، صص ۱۳۸-۱۶۷. قابل بازیابی از: http://kerman.jrl.police.ir/article_16587.html

نوروزی، اصغر و فراهادی، مریم. (۱۳۹۶). سنجش آسیب‌پذیری و برنامه‌ریزی راهبردی مدیریت بحران زلزله در نواحی روستایی، *دوفصلنامه مدیریت بحران*، (۱۵)، صص ۳۱-۴۵. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=318536>

یاوری، علیرضا؛ گلستان‌هاشمی، سیدمهدی؛ چشم‌براه، محسن و خیام‌باشی، بیژن. (۱۳۹۵). ساختار مدیریتی نظم و امنیت انتظامی در بحران‌های طبیعی (با تأکید بر الگو و ساختار مدیریت بحران در کشورهای هدف). *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، (۳۴)، صص ۱۸۰-۱۴۹. قابل بازیابی از: http://osra.jrl.police.ir/article_9871.html

Adams, Terri M. & Anderson, Leigh R. (2019). *Policing in Natural Disasters Stress, Resilience, and the Challenges of Emergency Management*. Philadelphia: Temple University Press.

Harper, Dee Wood. (2012). The New Orleans Police Department during and after Hurricane Katrina—Lessons Learned. In: *Crime and Criminal Justice in Disaster*, 2nd ed., edited by D. W. Harper and K. Frailing, 285–310. Durham, NC: Carolina Academic Press.

Shrestha, R., Krishan, K., & Kanchan, T. (2020). Medico-legal encounters of 2015 Nepal earthquake – Path traversed and the road ahead. *Forensic Science International*, 313, pp. 1-4. Retrieved from: [doi:10.1016/j.forsciint.2020.110339](https://doi.org/10.1016/j.forsciint.2020.110339)

Varano, S. P., Schafer, J. A. (2015). Policing Disasters: The Role of Police in the Pre-Disaster Planning and Post-Disaster Responses. In *Disasters, Hazards and Law*. Published online: 12 Mar. Retrieved from: [https://doi.org/10.1108/S1521-6136\(2012\)0000017008](https://doi.org/10.1108/S1521-6136(2012)0000017008)